

ما حتی ریموت
کنترلی که برای
اولین بار در
افغانستان مورد
استفاده قرار گرفت
و در زمان اتحاد
شوروی هم از این
استفاده نشده
بود، به دست خود
ساختیم.

**زمانی که روند اخراج و فرار امریکا از افغانستان شروع می شود،
شما در چه موقعیتی هستید؟**

من در کابل بودم.

برای شما جایزه تعیین شده بود.

ما در ۲۰۱۷ یک معاهده صلح با حکومت کابل داشتیم. بنابراین معاهده، من به کابل آمدم. این معاهده هم با حکومت کابل بود، نه امریکایی ها. خواستیم این قضیه بدون مداخله اجنبی و بین خود افغان ها باشد. این مشورت را به طالبان هم می دادیم که مذاکرات مستقیم شما با امریکایی ها درست نیست. امریکا طرف نیست، قضیه افغانستان به خود افغان ها مربوط است. براساس معاهده صلح، من به کابل آمدم. می توانم بگویم بند بند معاهده را به دست خودم نوشتم و اگر تغییری هم در این معاهده آمده به خواست ارگ بوده. امریکا هم گمان نمی کرد حزب اسلامی با همه تبلیغاتی که علیه اش صورت گرفته و با همه مشکلاتی که با آن درگیر بوده، دوباره به پای خود بایستد، بلکه این حدس را می زد شاید بتواند از نفوذ و نیروی بالقوه حزب علیه طالبان استفاده کند. یکی از انگیزه هایی که امریکا مخالفت نکرد با معاهده ای که ما با حکومت کابل داشتیم همین بود. بعید می دانستند حزب بتواند به عنوان یک خطر یا یک حرکت قوی و نیرومند تبارز کند، اما ناگهان دیدند که استقبال از من به پیمانهای بزرگ و عظیم بود که در تاریخ افغانستان بی سابقه بود؛ مخصوصاً در خود کابل، تا حالا هیچ کسی نتوانسته که استادیوم را پر کند اما در آن گردهمایی نه تنها استادیوم به طور کامل پر بود، بلکه در اطرافش هم نفر جابه جا شده بود.

اشرف غنی چرا تن به حضور شما داده بود؟

اشرف غنی اصرار داشت بر اینکه من مستقیماً به کابل بیایم؛ بدون اینکه در جای دیگری نمایان بشوم. گفت در جایی که هستی با هلیکوپتر می آیم دنبال؛ به ما می گفتند که شاید اجتماع مطابق شان شما پرشکوه نباشد، آن وقت ما بی حیثیت می شویم ولی من موافقت نکردم، گفتم مسئولیتش به دوش ما، شما هیچ تشویش نداشته باشید. غنی گمان می کرد شاید بتواند حزب را علیه طالبان کمک کند و حزب هم در انتخابات از او حمایت کند.

از فکر شما بعید بود که از کسی مثل اشرف غنی حمایت کنید.

ولی آنها این حدس را می زدند، نامه هایی به من فرستادند که می خواست به من اطمینان بدهد اگر حمایتش کنم، او هیچ متکای دیگری جز حزب اسلامی ندارد. جز حزب اسلامی بر فرد دیگری نمی تواند حساب کند، می خواستند این روحیه را به ما بدهند و شاید یکی از اشتباهات شان این بوده که این انتظار را داشتند.